

تهیه و ترتیب کننده : انجینر سرور « صالح »
مورخ : ۲۵ فبروری ۲۰۱۳ میلادی

مبارز صلح و تفاهم نیک ؛ مولانا استاد « سعید افغانی »



بیست و هشت سال قبل مطابق « ۲۵ فبروری ۱۹۸۵ میلادی » استاد بزرگوار مولانا سعید افغانی این عالم توانا ، شخصیت فرهنگی و اجتماعی کشور عزیز ما افغانستان، چشم از دنیای باقی بست و داعیه اجل را لبیک گفت، که به پاس مقام استادی و کارنامه های صلحخواهانه شان این کوشش ناچیزی خویش را تقدیم دوستان ، مخلصان و شاگردان شان مینمایم ، تا خاطرات فراموش ناشده استاد ؛ در قلوب همه ما باقی و جاویدان باشد .

محمد سعید ولد مولوی عبدالمجید ولد ملا سید امیر ولد صالح محمد ولد مولوی اقا محمد ولد شیر محمد ولد لنگر ولد پاینده محمد صافی ولد خیر الدین ولد عمر بابا است، که در سال « ۱۳۰۰ هجری شمسی مطابق « 1922 » میلادی در ده خیر آباد ، قریه عمرزئی ولایت لغمان چشم به جهان گشوده و منسوب به قوم « صافی یاسپی » میباشد.

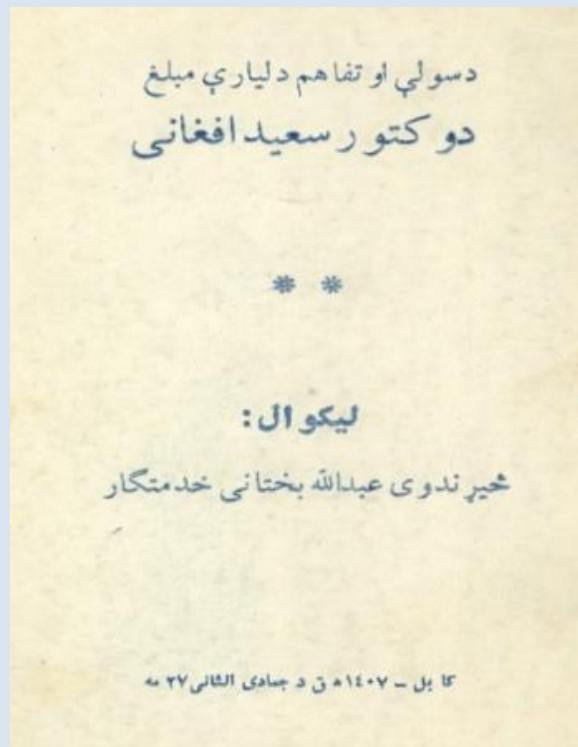
محمد سعید دوره علوم متداوله آن را که شامل : تفسیر ، حدیث ، فقه ، اصول فقه ، اصول حدیث ، منطق ، بدیع ، بیان ، معانی ، تجوید ، صرف ، نحو ، فلسفه ، شرح جامی و غیره بود از پدر بزرگوارش غازی عبدالمجید « رحمة الله علیه » که از جمله « علما و مشایخ مشهور طریقه قادریه ، مجاهد راستین ، مدرس و خطیب مسجد جامع تیگری ولایت لغمان بود » و دیگر روحانیون معظم از جمله هریک : ملا عبدالوکیل ، مولوی سید محمد ، مولوی عالم ، مولوی عبدالعزیز ، مولوی محمد عالم ، مولوی عبدالرحیم ، مولوی صاحب نوری و دیگران آموخت ، او مجتهد شد و افتخار شهرت لقب « ملا محمد سعید » را در منطقه آبائی خویش حاصل کرد .

ملا محمد سعید در سال « ۱۳۲۰ هجری شمسی » بنابر توجه پدرش ، غرض فراگیری علوم دینی به دارالعلوم کابل ، که یکی از مراکز مشهور دینی وقت در منطقه بود ، مراجعه نمود و بعد از سپری نمودن امتحان رسمی در صنف پنجم ان مدرسه شامل شد.

محمد سعید با اخذ شهادتنامه درجه اعلی و کسب لقب « مولوی » ، از دارالعلوم کابل فارغ التحصیل شد و بنابر استعداد خارق العاده و نمرات عالی که داشت از جانب دانشمند قاری عبدالرسول مدیر مدرسه دارالعلوم عربی کابل و منظوری وزارت معارف وقت ، به حیث استاد « کادر علمی » در آن مدرسه مقرر گردید .

مولوی سعید افغانی در سال (۱۳۲۸ هجری) به حیث مدیر مدرسه دارالعلوم نجم المدارس ولایت ننگرهار که در قریب جوار مرقد مبارک علامه نجم الدین مشهور به « هده صاحب » شیخ طریقه قادریه موقعیت دارد و یکی از مشهور ترین مدرسه دینی آن وقت در افغانستان بود ، مقرر گردید .

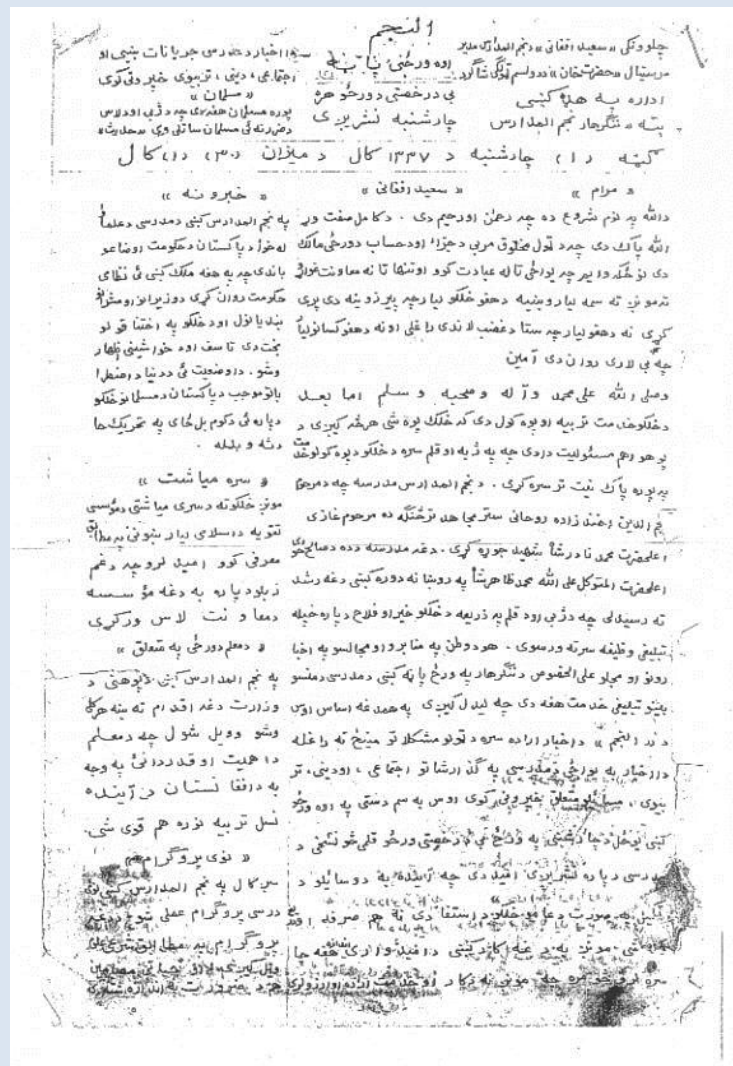
او بر علاوه پیشیبرد امور مدرسه نجم المدارس به کارهای فرهنگی ، امامت و موعظه ای دینی و کار وسیع وطنی ؛ برای تنویر جامعه پرداخت و همچنان جریده قلمی را بنام « النجم » که بیشتر از نیم قرن قدامت تاریخی دارد ، با شعار « خدمت به مردم و وطن » تأسیس کرد و خود منحیث مدیر مسوول ؛ کار نشراتی آنرا به پیش میبرد و حضرت خان شاگرد صنف دوازدهم آن وقت مدرسه به صفت معاون جریده با استاد همکاری داشت ، که مورد پروفیسور عبدالله بختانی « خدمتگار » در کتاب بنام (دسولی او تفاهم دلیاری مبلغ دوکتور سعید افغانی) چنین نوشته است :



مولوی محمد سعید افغانی ، لس کاله د نجم المدارس د مدرسې مدیریت کړی او د ننگرهار د بی شاعرانه وین چاپیریال د هدی په تاریخی کلی کښی او سیدلی دی ، چیرته چه د هیواد د مشهور عالم مولانا نجم الدین اخونزاده (هدی صاحب) مزار دی .

مولوی سعید افغانی د مدرسې شاگردان لیکوالی، شعراو ادب ته هم تشویق او هغوی روزل .
 دده په توجه او پالنه به دننګرهار د ورځپاڼې او مجلې پاڼې د نجم المدارس د شاگردانو
 او استادانو په مقالو او شعرونو ډکیدلی . په دغه وخت کېنې مولوی سعید افغانی د (النجم) په
 نامه ، د مدرسې لپاره ، په پښتو ژبه ، یوه اوه نیزه قلمی جریده هم چلوله چه مسولیت یی د
 ده په غاړه و .

د دی جریدی لومړی ګڼه د (۱۳۳۷ هجری شمسی) کال د میزان په ۳۰ مه څپره شوی
 ده . دا ګڼه او ځینی نوری ګڼی یی هم دا اوس زمونږ په لاس کېنې دی او د
 قلمی جریدو ډیره ښه بیلګه ده .



جریده «النجم» در داخل و خارج از مدرسه منحیث مدافع حقوق صنفی شاگردان ، استادان
 محبوبیت یافت و با حلقات فرهنگی مشرقی روابط تامین کرد و حتی محبوبیت این جریده تا
 سرحدی رسیده است که آقای صدیق الله «ککرکی» شاگردان مدرسه شعری با احساس
 خویش را بنام «مبارک شه» به جریده فرستاد و در شماره چهارم جریده مورخ « ۲۱
 عقرب سال ۱۳۳۷ ه ش » به نشر رسیده است .

مبارک شه

دغه عزم او دا کار شه مبارک
د « النجم » دا اخبار شه مبارک
چي غفلت ځيني راويين قام او تبرکا
دا خدمت او دا کردار شه مبارک
چي غرض پي داسلام لاره بنودل وي
يو قدم پدغه لار شه مبارک
د افکارو د روزني درس به را کړي
هر يو درس يي په بار بار شه مبارک
پرگنو ته به د علم رڼا ورکړي
دا رڼا او دا انوار شه مبارک
د ادب او اجتماع لار کي قدم دی
دا اقدام او دا رفتار شه مبادک
سعادت چي دخپل قام اوطن غواري
د « سعيد » دغه افکار شه مبارک
د « صديق » د عاقبوله کړي ای خدایه
دغه سوال ستا په دربار شه مبارک

چهارشنبه د ۱۳۳۷ هـ ش کال د لړم ۲۱ نېټه، د هدي نجم المدارس

د النجم ۱۰مه ورځني يا په (۱) کال

« مبارک »
صديق الله
کرمک

دغه عزم او دا کار شه مبارک
د « النجم » دا اخبار شه مبارک
چي غفلت ځيني راويين قام او تبرکا
دا خدمت او دا کردار شه مبارک
چي غرض پي داسلام لاره بنودل وي
يو قدم پدغه لار شه مبارک
د افکارو د روزني درس به را کړي
هر يو درس يي په بار بار شه مبارک
پرگنو ته به د علم رڼا ورکړي
دا رڼا او دا انوار شه مبارک
د ادب او اجتماع لار کي قدم دی
دا اقدام او دا رفتار شه مبادک
سعادت چي دخپل قام اوطن غواري
د « سعيد » دغه افکار شه مبارک
د « صديق » د عاقبوله کړي ای خدایه
دغه سوال ستا په دربار شه مبارک

د النجم خدمت
دغه عزم او دا کار شه مبارک
د « النجم » دا اخبار شه مبارک
چي غفلت ځيني راويين قام او تبرکا
دا خدمت او دا کردار شه مبارک
چي غرض پي داسلام لاره بنودل وي
يو قدم پدغه لار شه مبارک
د افکارو د روزني درس به را کړي
هر يو درس يي په بار بار شه مبارک
پرگنو ته به د علم رڼا ورکړي
دا رڼا او دا انوار شه مبارک
د ادب او اجتماع لار کي قدم دی
دا اقدام او دا رفتار شه مبادک
سعادت چي دخپل قام اوطن غواري
د « سعيد » دغه افکار شه مبارک
د « صديق » د عاقبوله کړي ای خدایه
دغه سوال ستا په دربار شه مبارک

« اعلان »
موږن غوړو چه د نجم الدين اخوند زا ده
صاحب سترجمي همدرو سونځي پرحلقه ونيکړ
گرچا ته دده دژوندانه دحالا لا نووده د
غل کا نو او دده دما زونا نو او محاملاتو په
متعلق موثوق معلومات وي هيله کړو
چه په دغه ليارکيني موږنيسر معاونت وکړي

قابل تذکر است که دامنه فعالیت فرهنگی و اجتماعی استاد سعید افغانی روز به روز توسعه یافت و در موعظه ای دینی خویش از حقوق مردم و منافع وطن اشکارا دفاع میکرد که (هجری شمسی) در روز در مورد شادروان مولوی محمد هاشم «کامه وال» در سال (۱۳۶۳ فاتحه استاد مولانا سعید افغانی در مسجد جامع شیرپور شهر کابل، صحبت عالمانه انجام داد و طی صحبت خویش در مورد علت تبدیلی استاد از مدیریت مدرسه دارالعلوم نجم المدارس ننگرهار، قصه و چشم دیده خویش را چنین بیان کرد:

(ماه مبارک رمضان رسید و پادشاه وقت در جلال آباد بودند و در مسکن شاه «باغ کوبک» سرشته ختم کریم در اثنای نماز تراویح که در مذهب حنفی «رح» عبادت های مصنوعه است گرفته شده بود، در آن اشتراک ورزیدند.

مدیر صاحب نجم المدارس «مولوی سعید افغانی» با چند نفر استادان مدرسه نیز در آن ختم شرکت کرده بودند، در شب اخیر ختم طوریکه تامل است سخنرانی های اجتماعی و موعظه دینی ایراد میگردد، دوکتور صاحب فرصت را غنیمت دانسته بحضور پادشاه آیه قرآن کریم را تلاوت، ترجمه و تفسیر نمودند از اثر درد دل که با امور وطن و بهبود آن برای بهبود اهل وطن داشتند به جرئت حق گوئی ضمناً خطاب به پادشاه گفت:

اگر چه در قانون اساسی ذکر گردیده که پادشاه شخصاً واجب الاحترام و غیر مسوول اند، ایا شما فرمائی را صادر کرده اید و از علماً و خطباً خواهش کرده اید که به یادداشت کلمه بنده خدا «ج» در خطبه بشما دوعا بکنند و بنده شرعاً به نزد خالق رب العالمین مسوولیت داشته می باشد بلکه در ذهنیت عامه کافه ملت و رعیت نیز مسوولیتی دارید.

خواهش میکنم؛ تا شخصاً نیز قبول زحمت فرموده به امور اداره عامه وطن توجه کرده و جلو خود سریهای بعضی مامورین بزرگ را بگیرید و...

فردا آن مولوی صاحب را وزارت معارف خواسته و به حیث معلم مکتب ابتدائی در شهر کابل مقرر شدند و مولوی صاحب به صبر استقامت از این امر اطاعت کردند.

استاد سعید افغانی بدون ترس از صدمه حاکمیت و قدرتمندان وقت، همواره به اداء رسالت و وظایف ایمانی و وجدانی پرداخته و برای تنویر اذهان ملت و خاصتا جوانان کشور در پهلوی کار های فرهنگی، تنویری و خطابت؛ جریده قلمی تحت نام «اخلاق» را در لایسه عالی حبیبیه شهر کابل تأسیس و به دست نشر سپرد که محترم خلیل «زمر» خاطرات شان را تحت عنوان «یک معلم و یک رهنمائی خوب» چنین نوشته است:



(دقیق بیاد دارم که سال « ۱۳۴۱ هجری شمسی » بود و من در صنف دهم لیسه حبیبیه درس میخواندم . مردی بلند قامت ، با وقار و سنگین که دارای لباس منظم و پاک و تمیز بود ، یکجا با محترم محمد یعقوب سر معلم مکتب وارد صنف گردید و یعقوب خان موصوف را اینطور معرفی نمود :

او محمد سعید افغانی نام دارد و پس از این بشما مضمون تفسیر را تدریس خواهند نمود ، پس از این معرفی مختصر استاد سعید افغانی به تدریس آغاز نمود . او با سایر معلمین علوم دینی که تا آن دوران من دیده بودم تفاوت کلی داشت ، موصوف شمرده و حساب شده حرف میزد ، با حوصله و با تمکین بود و در طول دو سالیکه او معلم بود یکروز هم حالت عصبانیت و بی موازنگی را از او ندیدیم . استاد سعید افغانی یک معلم مهربان بود و به همه گونه سوالات شاگردان پاسخ میگفت و این حرفهای استاد تا کنون در گوشم طنین انداز است : دین اسلام ، دین اخوت و دین برادریست ؛ عفو و گذشت بر انتقام و خشونت در آن برتری دارد و ..) .

سعید افغانی در سال « ۱۳۴۲ » هجری شمسی مطابق « ۱۹۶۴ » میلادی غرض تحصیلات عالی به پوهنتون « الازهر » مصر اعزام گردید و در آنجا بر علاوه تحصیلات عالی ، به امور فرهنگی نیز مصروف شد و بحیث مسوول امور نشراتی « بخش افغانستان » در رادیو قاهره به معرفی کلتور مردم افغانستان و روابط تاریخی دو ملت « افغان و مصر » پرداخت و بعداً به پاس خدمات شایسته شان در این عرصه به صفت امرشعبه نطقان بخش پشتو « کبیرالموذ عین » در رادیو قاهره توظیف شد .



سعید افغانی بر علاوه اینکه در آموزش علوم نکات خاصی داشت؛ شخصتی « مهربان ، دلیری و شجاع » توام با عواطف و احساسات بشری، خیر خواه ، مردم دوست ، صلح و امنیت پسند، طرفدار سرسخت در مقاومت و دفاع از عقاید حقه اسلامی واقعی بود ، که بنابر این صفتش در شب حمله نظامی بالای کشور مصر ۱۹۶۷ میلادی ، با قبول تمام خطرات حیاتی ؛ به رادیو قاهره رفت و بر علاوه نشرات پشتو، نشرات عربی رادیو قاهره را با « فصاحت زبان ، خلاقیت ژورنالیستی و توضیحات عالمانه » فعال نگهداشت و از آن طریق مردم و قوای مسلح را به

نفع مردم مصر ، جهان اسلام و دولت فقید جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت جمهوری عربی مصر به اتحاد ، متانت و پایداری دعوت کرد که به پاس این شجاعت تاریخی شان از جانب فقید جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر رسماً به حضور پذیرفته شده و مورد تمجید و ستایش شان قرار گرفت.

رئیس جمهور مصر، با حضور داشت وزیر ارشاد و فرهنگ از شجاعت و دلیری سعید افغانی قدردانی کرده و چنین گفت : (این ابتکار شجاعانه شما کارنامه های علامه سید جمال الدین افغانی را در خاطرات مردم مصر دوباره تازه ساخت ، فلذا ؛ دولت مصر از شما علامه دوم و از مردم افغانستان قلباً ابراز سپاس مینماید .)

سعید افغانی در مقابل از حسن نظر و اخلاص جلالتماب فقید جمال عبد الناصر سپاس و تشکر کرده و بر روابط تاریخی بین مردمان دو کشور تاکید نمود و همچنان جمال عبد الناصر به وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی هدایت داد تا به پاس خدمات سعید افغانی و تحکیم هر چه بیشتر روابط مردم « مصر و افغانستان » ؛ دو جلد کتاب شان را بنام های : « شیخ الاسلام عبدالله الانصاری الهروی و نابغة الشرق السيد جمالالدين الافغانى » چاپ نماید .



سعید افغانی بنابر نکاویت و استعداد خارق العاده ئی که داشت، توانست در مدت کمتر از « پنج » سال اقامت خویش در کشور جمهوری عربی مصر، بر علاوه لیسانس « اصول دین » ، دیپلوم « ماستری » و دیپلوم « دوکتورا » را موفقانه در رشته « فلسفه و الهیات » از پوهنتون مشهور اسلامی جهان « جامعه الأزهر الشریف » بدست آورد ، با کمال افتخار و سربلندی به وطن خویش عودت کرد و به صفت « استاد » در دارالمعلمین روینان « کابل » و بعداً در پولتخنیک کابل به تدریس مضامین « تاریخ اسلام » پرداخت.

استاد سعید افغانی با لباس پاک و منظم « دریشی و نکتای » داخل صنف میشد و با نهایت

صمیمت و اتوریته اکادمیک به تدریس میپرداخت و حتی علاقمندی محصلین باعث آن شده بود که خارج از درس، از علمیت استاد مستفید شوند.

روزیهای داغ تابستان بود، مبارزات سیاسی به اوج رسیده بود، یکتعداد محصلین انستیتوت پولی تخنیک کابل با اشتراک هریک: ظهور، احمدشاه، سرور و دیگران که اکنون نامهای شان به یادم نیست، با استاد سعید افغانی در دبیرمنت «علوم اجتماعی» که خود امر آن بود، پیرامون وضع جاری وطن و منطقه جروبخت کردیم. استاد توضیحات عالمانه ارابه کرد و تاکید میکرد که حسن تفاهم باید تقویت بخشیده شود و زمینه های باور و اعتماد بین مردمان به وجود آید؛ در آن وقت امکانات عملی بخاطر کامیابی وطن و مردم مساعد میگردد.

استاد گفت: نباید فراموش کرد که دین همه صالحین و وطنپرستان این است تا همیشه با ایمان راسخ، با تقوای و پاکی و با راستگاری و توأم با علمیت و عمل متری و خیرخواهانه ثابت سازند که برای خیر و سعادت انسان در این جاده های پر خم و پیچ راهی هستند و در آینده خواهند بود!

در غیر از آن شما جوانان شاهد باشید! که نه مردم وطن نه هم مردمان منطقه و جهانیان بالای فکر و عمل ما اعتماد و باور نخواهند کرد و آینده پر جنجال و تاریک در پیش روی همه قرار خواهند گرفت، که حل آن کار ساده و بسیط نخواهد بود!

دوکتور محمد سعید «سعید افغانی» به شخصیت انسان حرمت میگذاشت، با همه با حوصله و فراخدلی برخورد میکرد، اهل منطق و استدلال بود، به محراب فضیلت و علم احترام بی شایبه داشت و در اوج جاه و جلال به تواضع زیست و منحنی فرزند صالح وطن و بمثابه محقق پرتلاش و حقیقت جو، بعد از غور و بررسی همه جانبه اوضاع سیاسی و اجتماعی وطن بخاطر ایجاد یک «جبهه متحد ملی» شعار زیرآ:

«دین هر عالم، هر شخصیت مذهبی، هر وطنپرست و هر انسان صادق آنست که تمام قدرت، استعداد و دانش خود را وقف مبارزه بخاطر آزادی ملی و اجتماعی، بخاطر صلح و امنیت بشریت نماید.»

مطرح کرد و جهت تحقق آن به مبارزه صنفی همچنان در جمع جنبشهای دموکراتیک استادان پوهنتون کابل و محصلان (۱۹۷۲م مطابق ۱۳۵۱ هجری شمسی) پرداخت و به همکاری هریک: استاد فضل الربی پژواک، دوکتور محمد احسان روستامل، پوهاند علی محمد زهما و عده بی دیگری از استادان، طرح هسته گذاری اتحادیه استادان افغانستان را تکمیل نموده و در اولین جلسه مؤسسان افتخاران را دریافت تا به نمایندگی از انستیتوت پولی تخنیک کابل به عضویت رهبری شورای مرکزی و متعاقباً به صفت معاون شورای مرکزی آن اتحادیه انتخاب گردد. در مورد استاد سرفراز «مومند» چنین نوشته است:

«جلسی روانی وی، تضادونه عمیق کیدل او بالاخره یوه جلسه دومره هیجانی شوه چی نژدی وه چی استادانو اتحادیه چی استادانو د صنفی گتو یوا خنی ر ببتنی مدافع وه جوړه نشی او غونډه ړنگه شی او دغه کلاس حق او دیموکراتیک غوښتنه په خای پاتی شی.»

درست په دغه لحظه کی استاد سعید افغانی چی د پولیتخنیک د بی طرفه استادانو

خُخه و او د پوهنتون اکثره استادانو کی د ټاکلی احترام خُخه بر خورداره و، یوه ثابتہ بیانه ایراده کره، استادان یی اتحاد او اتفاق ته را وبلل، صنفی هدفونه او سیاسی هدفونه یی لنډ توصیح کرل، هیله یی وکره چی صنفی غوښتنی د سیاسی غوښتنو خُخه بیلی کری، استادان یی په ډیر آرام او متانت سره دغه عظیم مسوولیت ته متوجه کرل چی که دا اتحادیه جوړه نشی نو یوه نه بڅبونکی تاریخی اشتباه به موکری وی او راتلونکی به په مونږ لعنت وایی ..

قابل تذکر است که اتحادیه محصلان و استادان رنگ و رونق گرفت و استاد سعید افغانی با تفاهم و همکاری یک تعداد استادان بیطرف در تلاش بود تا این اتحادیه را از انحراف و لغزش نجات دهد، که در مورد محترم محقق م. ح. باریق « شفعی » خاطرات شان را بنام « خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود » چنین نوشته است :

(دکتور سعید افغانی می کوشید اتحادیه را از سوانب لغزش به « چپ » و « راست » به دور نگهدارد، که الحق در آن گیرودار کار آسانی نبود، مع هذا؛ اتحادیه در مسایل سیاسی به صورت محسوسی از مرکز به طرف « چپ » اتخاذ موضوع میکرد و این یکی از عواملی محبوبیت بیشتر استاد سعید افغانی در نهضت ملی و دموکراتیک کشور بود، در عین حال او میکوشید با استفاده از این تجربه در زمینه وسیعتری، این اشتراک مساعی در بین نیروهای سیاسی دارای تمایلات گوناگون را، با تجربه به نقاط مشترک در اهداف عمومی شان، به اشتراک در یک جبهه متحد دموکراتیک و ملی در معرض آزمایش قرار دهد، ولی اتحاد ملی به زمینه و یا زمینه های عینی مبارزات متحد ملی ضرورت داشت و....)

همچنان محترم داکتر سید خلیل الله « هاشمیان » در مضمون تحت عنوان « شناخت من از مرحوم پوهاند دکتور سعید افغانی » چنین نوشته است :

صحبتها و دیدارهای بعدی من با پوهاند داکتر سعید افغانی پیرامون اتحادیه استادان پوهنتون بود که اکثر اوقات مرحوم پوهاند فضل ربی « پژواک » نیز حاضر میبود. درین صحبتها ما با هم بسیار نزدیک شدیم زیرا نظرات مشابه داشتیم . پوهاند سعید افغانی یک شخصیت اکادمیک بود و در آنزمان که جنگهای ایدیالوژیکی یگانه کانون علوم افغانستان - پوهنتون را تهدید بسقوط میکرد، سعید افغانی برای نجات این موسسه خدمات قابل قدر انجام داده است . پوهاند سعید افغانی از حمایت اسلام گرایان برخوردار بود، ولی ؛ با منطق قوی که داشت کمونستها و چیگرایان راهمیشه قناعت میداد و زمینه تفاهم را با آنها میسر میساخت که در اثر همین نوع میانجیگریها اتحادیه استادان پوهنتون ساخته شد.

استاد سعید افغانی قلم توانا داشت؛ او با نوشتن بیشتر از « سی و هفت » جلد کتب و بیشتر از « یکنیم هزار عنوان مقاله و مضمون » به زبانهای « پشتو، دری و عربی » البته چه در بخش فلسفه ؛ چه هم در دنیا ی تصوف و چه هم در عالم اجتماعیات ! آرزو داشت تا بشریت را از درخشش حقایق آگاه سازد، که از جمله نوشته هایش ؛ کتاب بنام « خطر جنگ هستوی و الاشارات و التنبهات ابن سینا » جایزه بین المللی هزارمین سال تولد ابوعلی سینا نابغه شرق، شامل « مدال طلائی و پول نقدی » را بدست آورد .

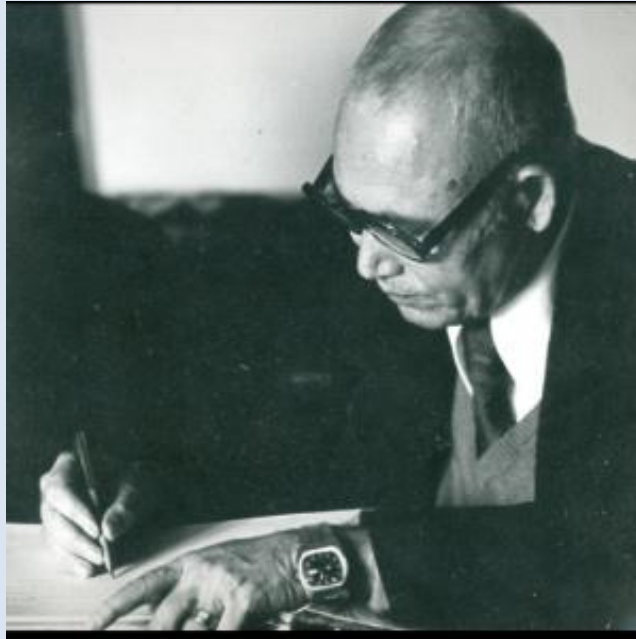


ضمناً باید خاطر نشان ساخت که در مورد فعالیت فرهنگی استاد سعید افغانی ، محترم سر محقق عبدالله بختانی « خدمتگار » چنین نوشته است :

دوکتور مولوی سعید افغانی ، د خپلی لیکوالی په څلو یبنت کلنه دوره کښی ، په پښتو ، دری او عربي ژبو گڼ شمیر مقالې لیکي دی ، پخپله ده ، دخپلو کتابو شمیر « وه دیرش » او مقالو شمیر له « یونیم زورونه » زیات تخمین کړی دی .
هغه یو ملي ، مترقي ، مذهبي شخصیت و چه تل د خلکو او اولس د ضرورت غوښتنو د ملاتړ په لیکو کښی دریدلي دی .

په زلمیتوب کښی یی د ویښ زلمیانو له هدفونو څخه روحیه اخستی او دهغو ننگه یی کړی ده .
په سفر کښی یی د خپل هیواد تاریخي او فرهنگي ویارنی نورو اولسونو ته معرفي کړی دی .
د ژوندانه د پو خوالی په عمر یی د هیواد د خلکو د ملی دموکراتیک غور زنگ ملاتړ کړی دی او د دین د حقیقتونو د څرگندولو په ذریعه یی هغه ارتجاعي دسیسي افشاء او شنډی کړی چه زمونږ د خلکو ، وطن او نهضت په ضد وی .

د ژوند د پای په کلونو کښی یی د سراسری سولې او امنیت او ملي روغي جوړي د تامین لپاره یی هڅه کوله ، په هیواد او نړی کښی یی سوله او تفاهم غوښت او کاری ورته کاوه ...



استاد سعید افغانی که در فلسفه و الهیات « دوکتورا » داشت و در تصوف از راه و روش خواجه عبدالله « انصاری » و در سیاست از افکار علامه سعید جمال الدین « افغانی » پیروی میکرد ، خود با شعار « صلح و آرامش و تفاهم نیک » که به خیر و سعادت عالم بشریت است ؛ به مجاهدت خویش تا آخرین رمق حیات ادامه داد و « حسن تفاهم ، تعقل و تدبیر نیک و منطقی و استدلال حقیقی » را نخسه اصلی ، توسل به این آرمان خود ، اعلان کرد و گفت :

ضرورت هر عصر و زمان ایجاب میکند که همه افشار و انسانهای آگاه در تدارک پیوند رشته های قطع شده و در میان آوردن فرصت مساعد برای تحقق صلح و آرامش متحد شوند . بناً ؛ وظیفه رجال صالح است که یک دقیقه و ثانیه هم فرصت را از دست نه دهند بلکه هر چه سریعتر زمینه و وسایل حسن تفاهم را بکار انداخته و در راه صلح و آرامش کار و خدمت خویش را تشدید بخشند.

استاد سعید افغانی مشکل اساسی درد « ملت و وطن » را با نوشتن کتاب بنام « طبیب بگو مرض من چه و چاره ام چیست ؟ » مورد تحقیق ، تحلیل و تجزیه قرار داد ، که در فصل هشتم آن چنین نوشته است :

من باور کامل دارم : در صورتیکه امراض اجتماعی به شکل « عالمانه ، منطقی » و توأم با صداقت و ایمانداری و به اساس لوايح و ظوابط از جانب متخصصین امور « تشخیص » گردد و بخاطر « معالجه » آن ، برای هر « درد و مرض » نسخه و ادویه مشخص داده شود ، در آن صورت امکان آن موجود است تا در وقت کم این امراض تداوی و باعث سعادت و نیکبختی خواهد شد .
و اگر این امراض دقیق تشخیص نگردد و در معالجه آن بهانه ها و مشکلات قلمداد شود ، در آن صورت به امراض مزمن و خطرناک تبدیل شده ؛ با وجود اینکه به همه سرایت میکند ، باعث تباهی و هلاکت خواهد شد !!!

پس ؛ اگر به مردم خویش واقعاً متوجه گردیم، بالای زخمهای شان مرحم گزاریم و آنها را با یک دیگر پیوند ساخته وحدت دهیم ، و همچنان اگر مردم را قلباً امیدوار و وادار فعالیت سازیم و از نظر مردم وبه فکر مردم بالای مردم قدرتها را از خود مردم ،

میان آریم ؛ آن وقت است که باید گفت : « مشکلی نیست که آسان نشود » !! در غیر از آن ، به کمال تاسف در اختتام هم باید گفت : وضع موجوده وطن رقت انگیز است و خطر توفان تباهی با وحشت ، نزدیک همه میشود !! که در آن وقت ؛ چاره اعلاج امراض اجتماعی ، به مشکلات مواجه خواهند شد و از جانب هم کدام طبیبی واقعی یافت نخواهد شد ، که برایش بگویم : طبیب بگو مرض من چه و چاره ام چیست ؟

محترم مولوی غلام سرور « منظور » که بعد از وفات استاد سعید افغانی به مقام ریاست علما و روحانیون افغانستان افتخار تقرر یافت ، در نوشته تحت عنوان « اروا بناد مولانا سعید افغانی، او دهغه ټولنيز شخصیت » چنین نوشته است :

ډاکتر صاحب عالم وو ، او عالمان ور باندی ډیر سخت گران وه، او عالمانو ته به یی همیشه داسی خطاب کاوه : « چی سوله تبلیغ کری ، ورور گلوی تبلیغ کری ، د انسان انسانی کرامت تبلیغ کری ، فقر ، فلاکت ، دربدری ، بی عدالتی ، لوړه ، بی کوری او اجتماعی مظالم چی اصلاً د اسلام مبین دین یی په کلکه غند نه کوی ، د اسلام له نظره و خیری او اضرار یی ټولو مسلمانو او زیارایستونکو هیواد والو ته ، روښانه کری .»

محترم مولوی محمد هاشم « کامه وال » در روز فاتحه استاد ، مورخ « ۲۷ فبروری ۱۹۸۵ میلادی » منعقد در مسجد جامع شیرپور - شهر کابل ، چنین فرمودند :

(من جناب دوکتور صاحب را عمیقاً معرفت داشتم ، دوکتور صاحب شخصیت جامع الکمالاتی بود ، مردم جهان از سابق تا حال به دو دسته تقسیم شده اند برخی ازهدایات و نصائح حضرات انبیا عظام پیروی می کنند و برخی دیگر از افکار طبقه فلاسفه .

از نگاه فلسفه انسان در آخرین مرحله تکاملی جسم طبعی موقعیت دارد و دربدو آفرینش خود دارند ، عقل در مرتبه هیولایی شده بعداً به تدریج به قوه مرتبه عقل عدم بالمملکه (تحصیل مجول به استفاده از علوم می رسد) و کسیکه به مرحله نهانی این مرتبه عقلی برسد او را صاحب قوه قدسیه می نامند که اکثر حقایق اشیا نیز در او معلوم و مشعر بالفعل می باشد .

دوکتور صاحب سعید افغانی ؛ صاحب قوه قدسیه بود ؛ از نفس خویش برآ مده و گذشته بود ، دائماً در فکر حصول سعادت و آرامی برای کافه بشریت علی الخصوص برای اهل اسلام و اهل وطن محبوب خود بود که از تالیفات و آثار او چه در فلسفه چه در تصوف و چه در اجتماعیات به درجه وضوح ثابت است .)

استاد سعید افغانی تا آخرین رمق حیات خویش قلم و کاغذ را رها نکرد و حتی در بستر مریض که با مرگ و زندگی دوست و پنجه نرم میکرد ، در راه « حسن خیر و سعادت بشریت » نوشت ، که در مورد محترم انجینر رحیم « یوسفی » یکتن از شاگردان و مخلصان ؛ استاد بزرگوار ، چنین نوشته است :



دوکتور سعید افغانی د ناروغی به بستر کښی

« د کابل په دولتي مطبعه کې د ده وروستي کتاب د چاپ لاندې و « ۲۷ » کاله تیر شوي، ما د دغه کتاب عنوان هیر کړې دي . يو دوه و رځې و روسته ډاکتر صاحب تيلفون وکړ تر څو د کتاب پروف د خانه سره د تصحيح لپاره دغه روغتون ته يوسم او هغه دواړه تصحيح کړو .

زه د څلورسوه بسترايز روغتون دريم منزل ته وختم د وخت څلورسوه بسترايز روغتون چهارايز قوماندان ډاکتر ولايت حبيبي چې زما په گومان د قلب يا د زړه د ناروغي متخصص به و د ده په دروازه کې ولاړو و دروغبرنه وروسته ئې راته وويل :

ډير تک او راتگ مه کوي، د اسرې د مرگ مريض دي شايد ډير وخت به پکې هم نه وي !!
 ما ورته کړل چې : پوښتنه خو لاڅه چې ما د هغه د نوي کتاب پروف ورته راوړې تر څو هغه تصحيح کړو. ډاکتر حبيبي زما په خبره و خندل او راڅخه ولاړ خو دومره ئې وويل چې : که د اسرې نه مرکيزې، خوبيا هم ځان وژني !

زه د ډاکتر سعید افغانی د بستر کوتی ته داخل شوم ، دهغه په سيني پورې مزې تړلې او ماشين چالان وؤ چې ما ورسره دهغه د نوي کتاب پروف ولوستل او ترې را رخصت شوم .

زه لا دفتر ته نه وم رسيدلي چې حضرت عزرائيل « ع » د ده روح قبض او د دې فاني دنيا څخه ئې د « ۶۳ » کلونو په عمر رحلت کړې و .

استاد سعید افغانی که به تاريخ « اول حوت ۱۳۶۳ هجري » د چار حمله قلبي شده بود ، به بتاريخ « هفت حوت ۱۳۶۳ هجري شمسی » مطابق « ۲۵ فبروری سال ۱۹۸۵ میلادی » ساعت دو بعد از ظهر ، روز دوشنبه به عمر شصت و سه « ۶۳ » سالگی ضربان قلب مهربانش در حالیکه کتاب جدیدش را اصلاح میکرد ، از حرکت باز ماند و در شفاخانه اکادمی علوم طبی ، داعی اجل را لبیک گفت و بعالم جاودانی شتافت.

جنازه استاد سعید افغانی بتاريخ « ۲۶ فبروری ۱۹۸۵ » با مراسم خاص از مکروریون سوم ، شهر کابل توام با اشتراک صدها تن « علما ، روحانیون ، دانشمندان ، بزرگان حکومت ، مخلصین ، شاگردان ، دوستان و اقارب » شان برداشته شد ، در مسجد جامع پل خشتی شهر کابل نماز جنازه اداء گردید و مطابق وصیت شان در جوار مرقد حضرت تمیم الانصار « رح » در شهدای صالحین به خاک سپرده شد .

« ا نالله و انا الیه را جعون »

استاد بزرگوار ! روحت شاد و یاددت گرامی باد !!
از درگاه الهی ؛ استدعا دارم تا با فضل و رحمت خویش ، جنت فردوس را نصیبت بگرداند و صلح و آرامش را که آرزوی دیرنت بود ، نصیب مردم عزیز ، وطن محبوب ما افغانستان و جهان گردد .

امین یا رب العالمین

انجینر سرور « صالح »

ماخذ و منابع :

- د سولی او تفاهم د لیاری مبلغ دوکتور مولوی محمد سعید افغانی : نوشته سر محقق عبدالله خدمتگار بختانی
- ویرنی : نوشته سر محقق عبدالله خدمتگار « بختانی »
- جراید النجم : موسس مولوی سعید افغانی
- اندرزهای دری : نوشته استاد سعید افغانی
- تذکر مختصر در باره شخصیت الحاج دوکتور سعید افغانی : نوشته مرحوم مولوی محمد هاشم « کامه وال »
- خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود : نوشته محقق م . ح . باریق « شفعی »
- ششمین سال وفات شخصیت فرزانه سعید افغانی : نوشته سر محقق محمد صدیق « سیلانی »
- اروابناده مولانا سعید افغانی اودهغه تولنیز شخصیت : مولوی غلام سرور « منظور »
- په وطن مین یو ستر استاد : نوشته پوهاند داکتر محمد قاسم « جمد ر »
- د سولی او تولنیز عدالت دلاری پیژندل شوی شخصیت : نوشته شاه محمود « حصین »
- مبارز راه صلح و تفاهم : ارگان نشراتی د حق لاره .
- سوله او تفاهم د سعید افغانی له نظره : نوشته محمد رحیم « یوسفی »
- استاد سعید افغانی محقق پر تلاش و هم مبارز راه صلح و آزادی : نوشته ولی « فنی »
- یک معلم و یک رهنمای خوب : نوشته خلیل « زمر »
- استاد افغانی د علم او فرهنگ دلاری یو تلپاتی نوم : شماره ۴۸ مورخ ۱۳۶۹ روزنامه پیام .
- مرحوم استاد سعید افغانی : شماره ۳۱ مورخ ۱۳۶۹ جریده الاسلام .
- د سولی مبارز : ارگان نشراتی د حق لاره .
- زما ژوند : نوشته استاد سعید افغانی
- طبیب بگو مرض من چه و چاره ام چیست ؟ : نوشته استاد سعید افغانی